① خط بازار اوراق بهادار: خط بازار اوراق بهادار خطی است که رابطه میان ریسک سیستماتیک و بازده مورد انتظار را در بازارهای مالی نشان می‌دهد. در این خط بازده مورد انتظار سهام و ضریب بتا از اهمیت خاصی برخوردارند. موضوع مدیریت ریسک در زمینه مالی خط بازار اوراق بهادار حقیقتاً وجه خاصی پیدا کرده زیرا تمام دارایی‌های مالی در بازارهای مالی بر منطبق بر خط بازار اوراق بهادار باشد

تئوری قیمت گذاری آربیتراژ (APT):

مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای به چگونگی انتخاب پرتفوی کارآ توسط سرمایه‌گذاران می‌پردازد در حالیکه مدل قیمت گذاری آربیتراژ به جای کارآ بودن پرتفوی به عوامل با اهمیت اقتصادی و اطلاعات شرکت‌ها مد نظر قرار می‌دهد. مثلاً این تئوری به کارآ بودن پرتفوی بازار را مورد سوال قرار نمی‌دهد بلکه عنوان می‌نماید که بازده هر سهم به تأثیرات گسترده اقتصاد کلان که اصطلاحاً عوامل نامیده می‌شود و رویدادهایی که برای شرکت خاص واقع می‌شوند یا همان اخبار و اطلاعات خاص شرکت بستگی دارد.

تئوری آربیتراژ عنوان می‌نماید که صرف ریسک مورد انتظار یک سهم با صرف ریسک مورد انتظار مرتبط با هر عامل و حساسیت سهم نسبت به هر کدام از عوامل (b_1، b_2، …) ارتباط دارد. این تئوری دارای برخی جنبه‌های جذاب می‌باشد. برای مثال پرتفوی بازار که نقش اساسی در مدل قیمت گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ایفا می‌کند در این تئوری جایگاهی ندارد بنابراین نگران مشکلات اندازه گیری پرتفوی بازار نخواهیم بود. این مدل قیمت گذاری را حتی اگر فقط اطلاعاتی برای یک سهم ریسکی داشته باشیم می‌توانیم مورد آزمون قرار دهیم.

رویکرد درآمد خالص (NI):

در این دیدگاه هزینه بدهی و هزینه سرمایه را مستقل از درجه اهرم شرکت می‌داند. به عبارت دیگر این روش k_e و k_i را بدون توجه به حجم بدهی شرکت ثابت فرض می‌کند. به عنوان مثال اگر هزینه بدهی به دلیل منطق اقتصادی کمتر از هزینه تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام باشد حتی اگر شرکت از حداکثر توان استقراض خود استفاده کرده باشد و دارای درجه اهرم بالا باشد مجدداً استفاده از بدهی را ترجیح خواهد داد و آن را موجب کاهش هزینه کل سرمایه و افزایش ارزش کل شرکت قلمداد خواهد نمود.

رویکرد درآمد خالص عملیاتی (NOI):

با فرض ثابت بودن k_o هزینه کل سرمایه نسبت به درجات اهرم به کار گرفته شده بیان می‌دارد که ارزش کل شرکت به ساختار سرمایه بستگی ندارد. و k_e بازده مورد انتظار سهامداران نسبت به افزایش درجه اهرم افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر این روش اذعان می‌دارد هیچ ساختار سرمایه‌ای مطلوب نیست

رویکرد سنتی:

در این تئوری k_e بازده مورد انتظار دارای رابطه مستقیم با درجه اهرم بوده و k_i بازده سهام موثر [illegible] چگونگی میزان اهرم افزایش می‌یابد و ساختار سرمایه بهینه در نقطه‌ای است که در آن k_o هزینه سرمایه به حداقل میزان اندازه خود برسد. بنابراین روش سنتی فرض بر این است که هر شرکتی دارای یک ساختار سرمایه بهینه بوده که با مصرف عاقلانه اهرم به دست می‌آید و ضمن کاهش هزینه سرمایه، ارزش شرکت را حداکثر خواهد نمود.

رویکرد مودیگلیانی میلر (MM):

این مدل با حذف پیش فرض‌ها و محدودیت‌های اقتصادی که به دنبال آن مواجه هستیم درک منطقی از مبنای تئوری

وجوه جهت تقسیمات، تأمین مالی شرکت را فراهم می‌آورد. مفروضات مدل عبارتند از: (۲)

۱- درجه ریسک همسان: در کلیه مدل‌ها شرکت‌هایی که دارای ریسک همسانی هستند در گروه‌های با درجه ریسک همگن.

۲- بازده مورد انتظار مشابه: انتظارات تمام سرمایه‌گذاران موجود و بالقوه در مورد عایدات مورد انتظار و عدم اطمینان عایدات مذکور یکسان است. به عبارت دیگر همه سرمایه‌گذاران دارای انتظارات مشابهی هستند

۳- توزیع احتمال یکسانی که احتمال نرخ بازده آتی را برآورد می‌کند

۴- بازار سرمایه کارآ: بازار سرمایه کارا بوده و هزینه معاملات صفر بوده و نرخ وام‌دهی و وام‌گیری برابر است

۵- عدم وجود مالیات بر شرکت‌ها [illegible] که در بخش نواقص بازار مطرح خواهد شد

برطبق مفروضات فوق، مودیگلیانی و میلر دو فرضیه اساسی را اثبات نمودند:

الف: ارزش شرکت از خط مشی تقسیم سود مستقل از کسر بهره و مالیات در نرخ کلی هزینه سرمایه به دست می‌آید

ب: هزینه حقوق صاحبان سهام برابر است با هزینه سرمایه ثابت به علاوه صرف ریسک اهرم مالی به کار گرفته شده

نتیجه‌گیری اصولی از تحقیقات MM گویای این حقیقت بود که استقراض از میزان بدهی شرکت موجب افزایش ارزش شرکت نمی‌شود. بر اساس تئوری MM با فرض عدم وجود مالیات، ارزش شرکت و هزینه سرمایه آن مستقل از ساختار سرمایه آن می‌باشد. بنابراین حجم بدهی‌ها در ساختار سرمایه لزوماً با افزایش ارزش شرکت همراه نیست

مدل گوردون:

عوامل تحلیلی در مدل گوردون به کار گرفته شده است. بنابراین با این مدل می‌توان به منظور توضیح چگونگی استفاده از یک مدل ارزیابی برای مسائل مربوط به ارزش ذاتی به کار گرفته شود.

عوامل موجود در مدل گوردون:

سه عامل اصلی در مدل گوردون مورد توجه قرار گرفتند:

۱- بازده مورد انتظار سهام: در این مدل بازده مورد انتظار سهام شامل سودهای تقسیمی آتی است. سودهای انباشته شرکت بخش اصلی رشد می‌باشد که در جهت افزایش مقدار سود تقسیمی آتی عمل خواهد نمود. اما تنها سودهای تقسیمی آتی به عنوان بازده در نظر گرفته می‌شوند.

۲- بازده عادی و بازده واقعی: مدل گوردون و مدل‌های مشابه، بازده مورد انتظار و بازده واقعی را نهایتاً به ترکیب برابر فرض [illegible] بازده مورد انتظار (Ke) در بازار و مبنای ریسک و بازده مشخص می‌کند. انتظار بازده معین [illegible] آن هم دارد. بازده با استفاده از [illegible] سود هر سهم به قیمت بازار [illegible] سهام عادی مشابه [illegible] سرمایه‌گذار انتظار [illegible] بازده واقعی: عبارت است از نسبت واقعی سود هر سهم به قیمت بازار سهام [illegible] هر یک از شرکت‌ها. این نسبت [illegible] (۶) [illegible] سود هر سهم به قیمت بازار سهام [illegible] مورد انتظار [illegible]

۳- وجود عامل رشد: با وجود دیدگاه [illegible] مدل گوردون رشد ثابتی برای سود تقسیمی فرض می‌نماید و آن را به صورت عامل [illegible] مدل ارزیابی قرار داده. لذا تا آنجا که به دنبال میزان رشد ثروت سهامداران کنونی هستیم، عامل رشد اتکایی و حفظ [illegible] محدود می‌گردد.

انواع اجاره :

- اجاره عملیاتی : این نوع از قرارداد اجاره هیچ گونه تعهد بلندمدتی را برای موجر و نه مستأجر به وجود نمی آورد و هر دو طرف می توانند از طریق اطلاع موجر به مستأجر پس از گذشت زمانی مشخص فسخ گردد.

اجاره ضمانتی : طبق این نوع قراردادهای اجاره، اجاره دهنده امکان تأمین مالی و خدمات مربوط به نگهداری دارایی اجاره ای را طی دوره اجاره برای اجاره کننده فراهم می آورد. خدمات نگهداری کامپیوترها و دستگاههای تکثیر و ... دارایی هایی می باشند که تحت این قرارداد اجاره داده می شوند و طی دوره اجاره خدمات فراهم می گردد.

- اجاره های مالی : نوعی اجاره بلندمدت دارایی های ثابت به شمار می آید و معمولاً توسط هیچ یک از طرفین قرارداد قابل فسخ نمی باشد. این نوع از قراردادهای اجاره به عنوان یک منبع مهم و مطمئن محسوب می شوند و محرک مهمی در راه های تأمین مالی از طریق بدهی بلندمدت به شمار می آید و بعنوان منابع تأمین اساسی به این نوع از قراردادهای اجاره نگاه می نمایند.

انواع دارایی های اجاره ای :

شرکت می تواند تقریباً هر نوع دارایی مورد نیاز خود را برای انجام فعالیت های مربوطه اجاره نماید. زمین، ساختمان حتی کارخانه با تمام تجهیزات توسط شرکتها اجاره می شود.

اختیار خرید :

طرحی است که به اجاره کننده حق خرید دارایی را به قیمتی کمتر از ارزش آن در دوره اجاره می دهد. این شکل اجاره یکی از اشکال اختیار فسخ قرارداد اجاره می باشد. در اکثر موارد پرداختهای اجاره نه تنها یکسان است و نه افزایشی و در عوض هنگامی که اجاره کننده اختیار خرید را اعمال می نماید، هزینه اختیار توسط اجاره دهنده اعمال می شود. اجاره کننده قبل از اعمال خرید اختیار، مجموع اقساط هزینه های نقدی بیشتری را برای این دارایی دارد، به این دلیل که قیمت اختیار خرید به نرخ کمتری نسبت به اجاره های انباشته شده کاهش می یابد.

ب) انتخاب پورتفوی مارکویتز :

در اوایل دهه ۱۹۵۰ هری مارکویتز مدل پایه پورتفوی را بنیان نهاد به طوری که تئوری پورتفوی مدرن بر آن استوار است. وی اولین کسی بود که مفهوم متنوع سازی در پورتفوی را به طور رسمی توسعه داد. متنوع سازی اولین قاعده مدیریت پورتفوی می باشد که همان مفهوم ضرب المثل "تمام تخم مرغ ها را در یک سبد قرار ندهید" است. او مفهوم پورتفوی کارا را بیان نمود به طوری که پورتفوی کارا مجموعه سرمایه گذاری است که در یک سطح ریسک معین حداکثر بازده می باشد.

فرضیات مدل مارکویتز :

سرمایه گذاران به بازده علاقمند و به ریسک بی علاقه هستند

سرمایه گذاران در تصمیم گیری ها رفتار عقلایی دارند

سرمایه گذاران بر مبنای حداکثر کردن بازده مورد انتظار پرتفوی تصمیم گیری می کنند.

ورودی های مورد نیاز مدل مارکویتز : بازده مورد انتظار هستند

انحراف معیار بازده مورد انتظار به عنوان معیاری برای تعیین ریسک هستند

- کواریانس به عنوان معیاری که همسویی بین بازده سهم های مختلف را نشان می دهد.

مدل تک شاخصی (SIM): ویلیام شارپ متوجه گردید که بازده هر سهم با بازده شاخص عمومی رابطه دارد و از شاخص بازار به عنوان عامل سیستماتیک استفاده کرد. از مدل تک شاخصی برای ساده‌سازی مدل مارکویتز و نیز مستقیماً برای تحلیل پرتفوی به منظور حل مشکل و یافتن مجموعه کارای پرتفوی‌ها استفاده کرد.

مدل‌های چند شاخصی

مدل تک شاخصی بر این فرض بنا شده است که تغییر قیمت‌های سهام تنها به دلیل حرکت همسو بودن آنها با یک شاخص (شاخص بازار) است. در مدل چند شاخصی برخی تأثیرات "ورای بازار" مثل عامل صنعت را نیز باید در نظر گرفت.

اختیارهای معامله:

اختیار معامله توافقی بین و الزام‌آور که تحصیل کننده حق خرید یا فروش دارایی تعهد شده است، به طوری که دارنده اختیار، حق خرید یا فروش یک کالای مشخص را با یک قیمت تعیین شده و در تاریخ معین سررسید را دارد.

انواع اختیارهای معامله:

۱- اختیار اروپایی: حق استفاده از اختیار را فقط در تاریخ انقضا به دارنده می‌دهد.

۲- اختیار آمریکایی: حق استفاده از اختیار را در تاریخ انقضا و قبل از آن به دارنده می‌دهد.

۳- اختیار آسیایی: بستگی به متوسط قیمت در طول عمر اختیار دارد.

قراردادهای سلف و آتی:

قرارداد سلف: قراردادی است که طرفین آن توافق می‌کنند در تاریخ مشخص در آینده، مقدار کالای معینی که قیمت آن نیز در قرارداد معلوم گشته را معامله نمایند.

قرارداد آتی: قراردادی است که از نظر تحویل کالا و نحوه پرداخت قیمت آن در آینده مشخص، همچون قرارداد سلف است. در قرارداد آتی میزان کنترل بیشتر است و ریسک طرفین در مقابل یکدیگر بسیار کم است و تقریباً هیچ مسئولیتی در مقابل هم ندارند زیرا در قرارداد آتی واسطه‌ای مشخص وجود دارد.

قراردادهای سلف و آتی ابزارهایی برای مدیریت ریسک به شمار می‌روند تا از طریق آنها اثر نوسانات احتمالی آتی در قیمت کالاهای معین، با قراردادهای سلف و آتی خنثی شود.

ابزار سواپ:

طبق قرارداد سواپ، مجموعه‌ای از جریانات نقدی شناور با مجموعه‌ای از جریانات نقدی ثابت تاخت زده می‌شوند. قرارداد سواپ یکی از متداول‌ترین ابزارهای مدیریت ریسک محسوب می‌شود که در آن افرادی که می‌خواهند از نوسانات قیمت پرهیز کنند، جریانات نقد ثابت را ترجیح می‌دهند و افراد متهور با پذیرش ریسک بیشتر، جریانات نقد شناور را ترجیح می‌دهند.